

# مَائِدَةُ آيَاتِنَا

جلد چہارم

تالیف

عَبْدُ الْحَمِيدِ إِشْرَاقِ خَاوَرِي

مؤسسہ ملی مطبوعات امری

۱۲۹ بدیع

وضربن باید یهن علی خدودهن وهذا من مصائب الخفی  
الاخفی فسبحان ربنا العلی الاعلی

هو المعجمی الفارسی العراقی

چون اهل فلك الهی بازن ملاح قدسی در سفینه قدمی  
باسمی از اسماء تشبث نموده بر بحراسماء روان گشتند و  
قطع مراحل تحدید نمودند که شاید بیمن همت سلطان  
تفرید بشاطبی توحید درآیند و از جام تجرید بنوشند باری  
باعانت ربّانی آن فلك صمدانی برآب حکمت روحانی حرکت  
مینمود و سیر میفرمود تا بمقامی رسیدند که اسم ساکن از مجری  
سبقت گرفت و غالب شد لذا سفینه روح سگون یافت و از حرکت  
ممنوع گشت در اینوقت حکم محکم ربّانی از اسماء قدس لایزالی  
نازل شد و ملاح بقا مأور گشت که حرفی از کلمه اخفی بر اهل  
فلك تعلیم فرماید تا باعانت غیبی از وادی حیرت نفسانی  
بگذرند و بفضای بافزای وحدت روحانی درآیند و بقای  
جان و لقای حضرت جانان واصل شوند و چون اهل کشتی  
بگلمه دوست معنوی فائز گشتند فی الفور پرمعنی گشودند  
و در هوای قدسی پرواز نمودند و بفضل الهی و رحمت سبحانی  
از عقبات نفس و هوای و درکات غفلت و عمی گذشتند و در اینوقت  
نسائم رضوان از مکمن رحمان بر هیاکلشان وزید و بعد از  
طیران در هوای قرب الهی و سیر مقامات معنوی در محل امن

وامان و منتهی وطن عاشقان نزول نمودند و سگان اینمقام  
بخدمت و احسان قیام نمودند و در اینوقت غلمان باقی  
وساقتی قدسی خمیریاقوتی ابدال فرمود بقسمی سگر خمر  
معارف الهیه و کأس حکمت صمدانیه جذب و وله آورد گه  
از هستی خود و موجودات رستند و بجمال دوست دل بستند  
و قرنهای و عهدها در آنمقام خوش روحانی و گلزار قدس رحمانی  
باکمال فرح و انبساط مسکن و مقرر داشتند تا آنکه نساء  
امتحان سبحانی و اریاح افتتان سلطانی از سبای امرالیزالی  
بوزید تا آنکه بجمال ساقی اشتغال نموده و از وجه باقی  
غفلت نمودند بقسمیکه طل را شمس و اشباح را نورانگاشتند  
و قصد معارج اسم اعظم نمودند که در آن هوا طیران نمایند  
و بآن مقعد و محل وارد شوند و چون عروج نمودند صرافان  
الهی بامحاکم قدسی بامر مبرم ربّانی بر ایشان نازل شدند  
و چون اریاح غلام معنوی استشمام ننمودند جمیع را منع نمودند  
و بعد واقع شد آنچه در لوح محفوظ مسطور گشت .

پس ای ساکنان بساط حب الهی و ای شاربان خمر رحمت  
صمدانی قرب جمال دوست را بد و جهان تبدیل ننمائید  
و ازلقای او بلبقای ساقی نپردازید و از خمر علم و حکمت او بخمر  
جهل و غفلت دل مبنید لب محل زگر محبوبست او را بآب  
کثیف نیالائید و دل منزل اسرار باقی است او را بوجه اشیاء

فانی مشغول ندارید آب حیات از کوشر جمال سبحان جوئید  
نه از مظاهر شیطان باری این غلام فانی در منتهی مقام  
حب و دوستان الهی را بیدایع نصیح احدیه و جواهر حکمت  
سلطان صمدیه متذکر مینماید که شاید نفسی قد مردی و مرد <sup>ننگی</sup>  
علم نماید و از قمیص غفلت و شهوت بیرون آید و چون جمال  
منیر دست پاک و منیر و مقدس در راز حب و انقطاع و و در ارتقا  
سیر نماید اقبال اینقدر از انوار صبح جبین و ظهور یوم مبین  
اخذ نمایند که ظاهر و باطن خود را متحد نمایند از علو تجرید  
و سمو توحید و تنزیه کبری و تقدیس عظمی گذشتیم حال سعی  
بلیغ و اهتمام منیع نمایند که اسرار باطن مخالف اعمال ظاهر  
و افعال ظاهر معارض اسرار باطن نباشد از انفاق جان  
در سبیل جانان گذشتیم بانفاق عدل و انصاف بر نفوس خود  
قیام نمائید آخر یعنی قمیص حرص و آمال نفسانی از ثوب  
تقدیس رحمانی ترجیح میدهید و نغمه عندلیب بقارا بصوت  
منکر فنا از اهل بقی و بغضا مبادله میکنید فیئس ما انتم  
تستبدلون انّا لله و انّا الیه راجعون انشاء الله امید داریم  
که هیاکل عزّ باقی بطراز قدسی و شئون الهی چون شمس  
صمدی روشن و لطیف و پاک و طاهر ظاهر ظاهر شوند لیس هذا  
علی الله بعزیز